****

[**(مسألة 343)** 1](#_Toc487630441)

[بررسی حکم جواز تاخیر سعی 1](#_Toc487630442)

[بررسی ادله 2](#_Toc487630443)

[مبدأ غد از چه زمانی است؟ 3](#_Toc487630444)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**(مسألة 343)**

**الأحوط أن لا يؤخر السعي عن الطواف و صلاته بمقدار يعتد به من غير ضرورة‌ كشدة الحر أو التعب و إن كان الأقوى جواز تأخيره‌ الى الليل نعم لا يجوز تأخيره الى الغد في حال الاختيار.**[[1]](#footnote-1)

## بررسی حکم جواز تاخیر سعی

مشهور گفته اند تاخیر سعی تا شب اشکال ندارد، اما تاخیر به فردا جایز نیست، اما محقق حلی در شرائع فرموده: الخامسة من طاف، كان بالخيار في تأخير السعي إلى الغد‌[[2]](#footnote-2)

شهید اول در دروس فرموده: لا يجوز تأخير السعي عن يوم الطواف إلى الغد في المشهور إلّا لضرورة، فلو أخّره أثم و أجزأ، و قال المحقّق: يجوز تأخيره إلى الغد و لا يجوز عن الغد، و الأوّل‌ مرويّ و في رواية عبد اللّه بن سنان يجوز تأخيره إلى الليل، و في رواية محمّد بن مسلم إطلاق تأخيره.[[3]](#footnote-3)

نقل این مطلب از این جهت است که روشن شود کلام صاحب حدائق اشتباه است، ایشان می گوید: شهید در دروس گفته است که ما طبق کلام محقق حلی حدیثی داریم، در حالی که شهید عکس این را گفته و می گوید مطلب اول مروی است و نه این که کلام محقق حلی مروی باشد که بعد محقق خوئی بگوید شاید مقصود روایت محمد بن مسلم باشد که در آتی ذکر خواهیم کرد.

علاوه بر این که بعید است محقق به این روایت استناد کند، زیرا اطلاق جواز تاخیر سعی مقید به روایاتی است که می گوید و لایوخره الی غد.

به هر حال اصل نسبتی که شهید به محقق می دهد، نیز خلاف عبارت محقق در شرائع است.

### بررسی ادله

صحیحه علاء بن رزین دلیل بر عدم جواز تاخیر سعی به فردا است: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ فَأَعْيَا- أَ يُؤَخِّرُ الطَّوَافَ بَ‍ینَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ إِلَى غَدٍ قَالَ لَا.[[4]](#footnote-4)

البته مورد روایت کسی است که می تواند امروز سعی کند و به سبب خستگی تاخیر می اندازد، اما شامل عاجز نمی شود و ظاهرش این است که خستگی مجوز تاخیر به فردا نیست، نه اعذاری مثل اضطرار و حرج.

و این صحیحه مقید اطلاق صحیحه محمد بن مسلم می شود: وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ فَأَعْيَا- أَ يُؤَخِّرُ الطَّوَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَالَ نَعَمْ.[[5]](#footnote-5)

اما جواز تاخیر تا شب، غیر از این که مقتضای اصل اولی و مقتضای جمع بین دو صحیحه اخیر است، مقتضای صحیحه عبد الله بن سنان نیز می باشد: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَقْدَمُ مَكَّةَ وَ قَدِ اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْحَرُّ- فَيَطُوفُ بِالْكَعْبَةِ وَ يُؤَخِّرُ السَّعْيَ إِلَى أَنْ يَبْرُدَ- فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ وَ رُبَّمَا فَعَلْتُهُ وَ قَالَ وَ رُبَّمَا رَأَيْتُهُ يُؤَخِّرُ السَّعْيَ إِلَى اللَّيْلِ.[[6]](#footnote-6)

ممکن است به این صحیحه اشکال شود که اطلاق ندارد و ظاهرش این است که روایت می گوید تا وقتی هوا خنک شود، تاخیر جایز است و بعد از رفتن آفتاب هوا خنک می شود، شب ها حجاز که خنکی اشدی ندارد و این که امام علیه السلام گاهی تاخیر می انداخته نیز قضیه خارجیه است و شاید حضرت عذری داشته است.

و لکن این اشکال عرفی نیست، زیرا ظاهر عرفی روایت این است که تاخیر به شب اشکالی ندارد، زیرا کسی که تاخیر می اندازد قطعا وجهی دارد، یا هوا گرم است یا خسته است، و لازم نیست همان لحظه خنکی هوا، سعی را شروع کند.

خلاصه این که متفاهم عرفی از روایت این است که تاخیر سعی تا شب جایز است و بهانه آن در سوال سائل، گرمای هوا بوده است و لذا بعید نیست ظهور این روایت در اطلاق و لکن اگر اصرار شود که این روایت اطلاق ندارد، جمع عرفی بین صحیحه محمد بن مسلم و علاء بن رزین برای اثبات این حکم کافی است.

### مبدأ غد از چه زمانی است؟

مشهور مبدا غد را از طلوع فجر می دانند، اما برخی مثل محقق خوئی مبدء غد را طلوع شمس می­دانند، زیرا شارع در نهار و یا غد حقیقت شرعیه که ندارد، بلکه باید به عرف رجوع شود و عرف تا آفتاب نزده و هوا تاریک است، می گوید هنوز شب است و بعد از طلوع آفتاب می گوید روز شد و فردا آمد.

ما قبلا اشکال می کردیم که دقایقی قبل از طلوع آفتاب نیز روز روشن می شود و لکن این ضابطه ندارد، یا طلوع فجر و یا طلوع آفتاب باید ملاک قرار داده شود، لذا از جهت عرفی کلام محقق خوئی بعید نیست و این بحث ثمرات فراوانی هم در مثل اقامه عشره و ایام حیض دارد، لذا به نظر عرفی حق با محقق خوئی است و لکن روایات معتبره ای داریم که از آن ها استفاده می شود نماز صبح در اول روز و نماز عصر در آخر روز است، طرفی النهار، و این دلیل است بر این که در عرف متشرعه یا حقیقت شرعیه، طلوع فجر مبدء نهار است.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 148](http://lib.eshia.ir/21006/1/148) [↑](#footnote-ref-1)
2. [شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام؛ ج‌1؛ 245؛ الخامسة من طاف كان بالخيار في تأخير السعي إلى الغد ؛ ج‌1، ص : 245](http://lib.eshia.ir/71613/1/245) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الدروس الشرعية في فقه الإمامية؛ ج‌1؛ 412؛ الثالث: في أحكامه: ؛ ج‌1، ص : 412](http://lib.eshia.ir/10020/1/412) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص411، أبواب استحباب تعجیل السعی..، باب60، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/411/اللیل) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص411، أبواب استحباب تعجیل السعی..، باب60، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/411/السعی) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص410، أبواب استحباب تعجیل السعی..، باب60، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/410/السعی) [↑](#footnote-ref-6)